

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

"جنگ بی پایان" در کشور، مقصر کیست و چه باید کرد؟ فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما و چگونگی سیاست و اشنگتن سرچشمه شاید گرفتن به بیل، چوپرشد نشاید گذشتن به پیل

چگونگی پیامدهای فراخواندن نظامیان خارجی از میهن ما
ضرورت درک اصول امروزی و نگرش جدید تاریخی
برده برداشتن از روایت‌ها و افتخارات دروغین
"ما زنده خوب و مرده بد نداریم"

جنگ یک درگیری شدید مسلحانه میان دولت‌ها، حکومتها، جوامع یا گروه‌های شبه نظامی مانند مزدوران، شورشگران و شبه نظامیان می‌باشد. از آنجا که جنگ یک درگیری مسلحانه واقعی، ارادی و گسترده میان جوامع سیاسی است، میتوان آنرا بمثابة نوعی از خشونت سیاسی تلقی نمود. هنگامیکه جنگ و دیگر گونه‌های خشونت در جریان نباشند، وضعیت صلح و آشتی برقرار می‌باشد. بسیاری از جنگ‌ها را بمثابة ششمین معضل (از میان ده معضل) که جوامع انسانی را تا پنجاه سال آینده تهدید می‌نماید، معرفی کردند. در رساله‌ای در مورد جنگ چنین می‌خوانیم: "جنگ عملی مبتنی بر زور است تا دشمن یا دشمنان را مجبور به انجام خواسته‌هایی نماید." هرچند برخی از پژوهشگران جنگ را غیرقابل اجتناب و جز جدایی ناپذیر فرهنگ انسانی می‌پندارند، اما دیگران باین باورند که جنگ تنها در شرایط اجتماعی - فرهنگی یا زیست محیطی گریز ناپذیر می‌باشد. فناوریها و پتانسیلها ی جنگ راکه با سرعت زیاد رشد می‌کنند، می‌توان بشکل یک زنجیره تاریخی نگاه کرد. ابتدای این کار در زنجیره، جنگ‌های قبیلوی دوران قدیم قرار دارد که در آن جنگ‌ها سلاح غالب سنگ و چماق بود که در نتیجه تلفات جانی کمی بدنبال داشت. درسوی دیگر این زنجیره جنگ اتمی قرار دارد؛ جنگی که می‌تواند انقراض بشر را بدنبال داشته باشد. از آغاز پیدایش دولت‌ها در حدود ۵۰۰۰ سال پیش، فعالیت‌ها و تحرکات گونه‌گونه نظامی در بیشترین بخش‌های جهان بوقوع پیوسته و اما فقط و فقط ۳۰ سال از تاریخ بشر در صلح سپری گردیده است.

در آغاز مبحث بایست متذکر گردید که موفقیت‌های سریع "طالب"‌ها در کشور عزیز ما بگونه غیر ارادی حوادث اتفاقیه سال ۱۳۵۳ سقوط سایگون و شکست سیاست خارجی ایالات متحده را در اذهان تداعی می‌نماید. در نیشته حاضر سعی بعمل آمده تا در کنار مسایل مورد بحث، به عمده‌ترین پرسش‌های مربوط به بحران بشری و تخطی‌هایی در عرصه حقوق بشر در سرزمین کشور ما پاسخ‌های قناعت بخشی ارائه گردد. در این مقطع، چندان بيمورد نخواهد بود تا درباره عقب نشینی عجولانه و پرشتاب نظامیان پنتاگون و تخلیه شهروندان امریکایی از اراضی متعلق با افغانستان که در نوع خود بمثابة نقطه پایان گذاشتن به طولانی‌ترین درگیری مسلحانه ایالات متحده در خارج از محدوده آن کشور پنداشته می‌شود، با ارائه فاکت‌ها و حقایقی، واقعیت قضایای موجود را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم تا باشد به کنه مسایل و ریشه‌یابی وقایع تکوین پذیرفته موفق گردیم. در امتداد زمانی ۲۰ سال، رؤسای جمهور ایالات متحده، چه جمهو خواه و چه دموکرات آن کشور، با حمایه و پشتیبانی ناتو و متحدان امریکایی، بحضور و موجودیت شان در کشور عزیز ما همچنان تداوم بخشیدند. مأموریت یادشده، در واقعیت از امر تلاش بمنظور تأمین امنیت در کشور، بگونه‌ای با استفاده قوه در کشور، از اصل ساخت و ساز دولت توانمند مدرن که در علوم سیاسی بنام "ملت سازی" خوانده می‌

شود، عملن انصراف بعمل آمد. قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد درگیریهای مسلحانه در کشورما، هزاران تن از نظامیان امریکایی کشته شده، بمبلغ ۸۳ میلیارد دالر بمنظور تعلیم و تربیه، آموزش و تهیه تجهیزات قوت های مسلح کشورما و در مجموع، در امتداد مدت زمان یادشده در موارد متذکره، یک تریلیون دالر هزینه گردید. اما مشاهده می گردد که همه و همه بگونه مجموعی بیهوده بود.

دولت جمهوری افغانستان در مرحله نهایی دارای بیش از ۳۰۰ هزار تن نظامی مجهز و تعلیم و تربیت دیده توسط ایالات متحده بوده و این در حالی بود که بگونه تقریبی بتعداد ۷۵۰۰۰ تن از جنگجویان "طالب" آماده تداوم درگیری های مسلحانه علیه حاکمیت مرکزی در کشور بودند. چنین تصور میگردید که همه شرایط بمنظور "ملت سازی" آماده گردیده است. اما دولت افغانستان موفق بتسخیر اذهان و قلوب شهروندان کشور نگردیده کاین واقعیت قبل از همه در پیشروی های سریع "طالب" ها بویژه در مناطق وحومه های شهرهای بزرگ بوضاحت مشاهده میگردید. بایست یادآور شد که توسط واشنگتن اصل موجودیت فساد و در عین زمان، بیکفایتی ارگانهای دولتی در داخل کشور، دست کم گرفته شد. خروج نظامیان خارجی از کشورما اجتناب ناپذیر بنظر می رسید. قبلن نیز، بر ضرورت فراخواندن آنها از کشورما تأکید بعمل آمده بود. اما عدم تمایل در مورد و همچنان ناتوانایی های قوتهای مسلح کشور در امر دفاع مستقل، بخودی خود، بمثابه معضلی به مربیان خارجی آنها مبدل گردید.

بسیاری از ناظران اوضاع کشورما چنین پیشبینی می نمودند که ممکن با فراخواندن نظامیان خارجی از کشورما، در گیری های مسلحانه "طالب" ها با قوت های دولتی، کم از کم در امتداد زمانی شش ماه، تداوم یابد. اما نظامیان دولت بگونه تراژیک در مدت زمان ده روز از هم متلاشی گردیده و زمینه پیشروی "طالب" ها بیش از پیش مساعد و هموار گردید. جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده اعلام نمود که بیش از این، شعار "اول امریکا" را که توسط دولت برهبری دونالد ترامپ موعظه می گردید، بکناری گذاشت. اما پرسشی در مورد یادشده باین شرح مطرح می گردد کایا اقدام اینچنینی نامبرده، دیدگاه کابینه بایدن بارتباط موضوع فوق را متغیر خواهد نمود یانه؟ اینهمه، چه اثراتی به حیثیت و اعتبار ایالات متحده بجا خواهد گذاشت؟

چنین پنداشته می شود که بگونه نمونه می توان در میان متحدان ایالات متحده، ناراحتی ها و عدم اعتماد بوعده های ایالات متحده را عملن مشاهده نمود. اما این مسأله قابل یاددهانی پنداشته میشود که توافق صلح در مورد کشور عزیز ما اصلن نادیده گرفته شده و مسایل و موضوعات مربوط بامکانات دیپلوماتیک و معاونت های بشردوستانه بمثابه ابزاری بمنظور رسیدگی بوضعیت موجود کشور پنداشته شد. توافقتنامه صلح سال ۱۳۹۸ میان ایالات متحده و "طالب" ها در امتداد زمانی حاکمیت دونالد ترامپ رئیس جمهوری قبلی ایالات متحده متضمن هیچ امری نبود جز تداوم مذاکر ات میان دولت افغانستان و "طالب" ها.

تأخیرهای طرف مقابل یعنی "طالب" ها در امتداد مذاکرات بنحوی از انحاء مانع درک شفاف و جامعی از شرایط و چگو نگی وضعیت در کشورما گردید. اما هرچه عاجل تر مشکلات و معضلات انباشته شده در کشورما باید حل و فصل می گردید، قطع جنگ و درگیری های مسلحانه صورت می گرفت و توافق هایی بمنظور تداوم پیروسة یادشده باید از قوه بفعل مبدل می گردید که چنین نشد.

در میدان هوایی کابل از مجموعه شهروندانی که قصد ترک میهن و فرار بخارج از کشوررا داشتند، در وضعیت و شرایط حاضر، خبری از آنها در میان نمی باشد. ایالات متحده نه تنها در امر انتقال و تخلیه شهروندانش، بلکه در امر انتقال و تخلیه افراد و اشخاصی که سال های سال با آنها همکاری نمودند و همه آن کسانی که مورد تهدید قرار داشتند، نیز مسؤلیت اخلاقی داشت.

برخی از رهبران "طالب" ها چنین اظهار نظر می نمایند که هیچگاهی با آزار و اذیت آنعده از شهروندان کشور که در بخش های مختلف اداره دولتی حاکمیت قبلی اجراء وظیفه نموده و یا بجرم همکاری با خارجی ها، مبادرت نورزیده و مورد پیگرد قرار نخواهند گرفت. آنها همچنان وعده سپرده بودند که بانوان کشور نیز از حق آموزش و تحصیل برخوردار خواهند شد. اما وعده ها، بمفهوم کل آن از قوه بفعل مبدل نگردیده و روی کاغذ باقی ماند. بررسی و مطالعه اوضاع کنونی این واقعیت را عملن باثبات خواهد رساند که نباید انتظار بهبودی وضعیت حقوق بشری در افغانستان را داشت. چه، سیاست "طالب" ها در مناطق و محلات تحت اداره آنها از هر رهگذری با نورم های پذیرفته شده بین المللی منافات دارد.

اما از گذشته باید آموخت، چه، مقایسه میان سقوط و فروریزی سایگون در امتداد سال ۱۳۵۳ و چگونگی فروریزی حاکمیت سیاسی در کشورما و حمله بکابل توسط "طالب" ها کاملن بدیهی بنظر می رسید. جنگ ویتنام بههدف جلوگیری

از رشد و وسعت روزافزون سوسیالیسم راه انداخته شده بود، اما ایالات متحده با وجود تفوق نظامی، باشکست مواجه گردید. در وضعیت کنونی و شرایط حاضر، ویتنام کشوریست شگوفاً و صلح آمیز. بخاطر باید آورد که یورش نظامیان ایالات متحده بکشورما تحت شعار "مبارزه با تروریسم" آغاز گردید. اما چگونگی جریان واقعی حوادث تکوین پذیرفته، این مسأله را باثبات رسانید که شعار یادشده روی کاغذ باقی مانده و بمنظور دستیابی باهدف کلانتری تحت پوشش شعار یادشده مبادرت بعمل آمد.

"القاعده" و سایر دسته بندی های تروریستی از جمله "دولت اسلامی"، بیش از پیش بموجودیت شان در کشور و سرز افغانها همچنان ادامه داده و مجدد در زمینه های مختلف جامعه ما عرض وجود می نمایند. با وضعیت اینچنینی به مشکل بتوان منتظر افغانستان انکشاف یافته و صلح آمیزمانند ویتنام بود.

کشور عزیزما افغانستان قبل از همه موارد، از لحاظ ساختار داخلی و نحوه ترکیب شهروندان، کشوریست قبیلوی که بگونه عمده بواسطه فرماندهان محلی اداره می گردد. اما در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح می گردد کاز فرو ریزی و درهم ریختن نظامی که پس از ۲۰ سال مساعدت ها و کمک های جامعه جهانی بیک پارگی سقوط نمود، چه درس هایی می توان آموخت؟

واقعیت مسلم اینست که کمک ها و مساعدت های نظامی و جنگی، موفقیت و پیروزی در جنگ های نامتقارن را اصلن تضمین نمی نماید. "طالب" ها مانند ویتکانگ ها می توانستند با وجود تفوق نظامی طرف مقابل، به پیروزی ها و موفقیت نایل گردند. چه، کمک ها و معاونت های نظامی و جنگی ایالات متحده به تسخیر قلوب و اذهان شهروندان کشور نیانجامید.

در ابتدای امر، با خودپسندی هایی که انجام گرفت، هدف عمده حمله و یورش نظامیان ایالات متحده و هم پیمانان شان بسرزمین وطن عزیزما افغانستان و همچنان حضور ۲۰ ساله آنها را، بویژه پس از آنکه جورج دبلیو بوش بفرستادن نظامیان کشورش باراضی متعلق بمیهن عزیزما تصمیم اتخاذ نمود، بمثابة واکنش احساسی درقبال کابوس ۱۱ سپتا میر، بخورد دیگران داده و ادعا گردید که بیشتر از این، عدم موجودیت تروریست ها و جلوگیری از عملکردها و اقدامات خرابکارانه آنها را تضمین می نمایند.

نباید فراموش خاطرما گردد که از همان آغاز امر یادشده، واضح و مبرهن گردید که زیرپوست اقدام یادشده، مسایل دیگری در جریان بوده و اهداف وسیعتر و بزرگتر از آنچه "مبارزه علیه تروریسم" عنوان گردید، مطرح نظر آنها می باشد.

بایست خاطر نشان گردد که نا آشنایی کامل امریکایی ها با کشتزارهای برنج در ویتنام و عدم شناخت دشتهای و کوههای سربلک کشیده و صحراهای بی آب و علف و تشنه کشور عزیزما نیز بخش دیگری از مشکل نظامیان غربی رادرویتنام و افغانستان تشکیل می داد.

اما در این بخش پرسشی باین شرح مطرح می گردد کآیا سقوط کابل، غرور امریکایی ها را فروخواهد نشاند؟ در اینباره بایست اظهار نمود که با وجود سپری گردیدن در حدود دودهه از حوادث اتفاقیه در میهن عزیزما، تاکنون و هنوز هم نمی توان در موارد یادشده پاسخ واضح و قناعت بخشی ارائه نمود.

اما می توان با صراحت در اینمورد چنین یادآور شد که در شرایط و وضعیت کنونی، شهروندان کشور عزیزما، بگونه غیرقابل تصویری در معضلات و مشکلات موجود در کشور، صرف برای زنده ماندن تقلاً می نمایند. اما در مورد شکست سیاست جوبایدن در مورد کشورما بایست یاددهانی بعمل آید که ایالات متحده نظامیانش را از کشورما فراخوانده و به دنبال آن، "طالب" ها برمسند قدرت دست یافته و برسرنوشت شهروندان کشور حاکم گردیدند. در این مقطع پرسشی مطرح می گردد کآیا سیاست افغانی جوبایدن به شکست مواجه گردید؟

قابل تذکر پنداشته میشود که در رسانه های امریکایی، دولت جوبایدن از جانب همه طرفها، بویژه از جانب جمهور یخواهان در مورد مسأله یادشده مورد انتقاد قرار گرفته است. آنها چنین اقامه دعوا می نمایند که چگونگی عملکردهای اداره بایدن در افغانستان بگونه همه جانبه ای دچار شکست و فروپاشی گردید. اما طرفداران و هوأ خواهان ترامپ مدعی اند که رئیس جمهور قبلی ایالات متحده اصل فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را آغاز نمود و اما از خروج مملو از هرج و مرج و غیرمنظم نظامیان امریکایی در امتداد زمامداری جوبایدن از افغانستان انتقاد نموده و به گونه ایی از چگونگی امنیت متحدان امریکایی در کشورما نیز اظهار تشویش نموده اند.

اما پرسشی باین شرح مطرح می گردد کاداره بایدن در مورد یادشده، چه پاسخی بمخالفاتش ارائه خواهد نمود؟

شنبه ۲۳ ماه ثور سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۱۳ ماه می سال ۲۰۲۳ ترسایمی